

برای بازگشت فرش ایرانی به عرش باید چاره‌ای اندیشید

فرش ایرانی؛ از اوج ۲میلیارد دلاری تا سقوط ۵۰ میلیونی

محمدزاده: بازار جهانی فرش دستباف ایران که زمانی بیش از ۲ میلیارد دلار در سال می‌ارزید، حالا تا حوالی ۴۰ تا ۵۰ میلیون دلار آب رفته است؛ اعدادی که نه فقط یک سقوط تجاری، که زنگ خطری برای یک میراث فرهنگی و زیست‌جهان میلیون‌ها بافنده عمدتاً زن در روستاهای ایران است. براساس آمار گمرک در سال منتهی به اسفند ۱۴۰۳، صادرات فرش دستباف به حدود ۴۱/۷ میلیون دلار رسیده؛ یعنی کاهش بیش از ۹۵درصدی نسبت به اوج دهه ۱۳۷۰.

این نزول یک «تفاق» نیست؛ محصول همزمان چند روند است: سیاست اقتصاد، فناوری، ذائقه و سیاست‌گذاری داخلی. در ادامه، مسیر سقوط و راه‌های بازگشت را با هم مرور می‌کنیم.

■ گره اول؛ تحریم‌ها و قطع شریان مشتریان سنتی

فرش ایرانی در آمریکا مشتری پروپاقرصی داشت، اما ممنوعیت واردات فرش ایران در ایالات متحده ابتدا در سال ۲۰۱۰ اجرا و سپس در ۲۰۱۶ با اجرای برجام موقتاً رفع شد و در ۲۰۱۸ دوباره بازگشت. هر بار با بازویسته شدن این شیرقلکه، خون در رگ‌های بازار فرش تند یا گُند می‌شد. بازگشت تحریم‌ها در ۲۰۱۸ عملاً دسترسی به بزرگ‌ترین بازار مصرف لوکس جهان را بست، نقل‌وانتقال پول را پریسک کرد و بسیاری از شبکه‌های توزیع را از کار انداخت.

در سال ۲۰۲۵ نیز فشارهای تحریمی و الزامات سختگیرانه تجارت با ایران تشدید شده و فضای اطمینان‌بخش برای قرارداد و پرداخت ایجاد نمی‌کند؛ برای کالایی که «خرید احساسی» و اطمینان به اصالت در آن تعیین‌کننده است، این سطح از ریسک مرگبار است.

■ گره دوم؛ رقابت نفسگیر ماشین با دست

وقتی ایران درگیر محدودیت شد، رقبای منطقه‌ای با سرعت خیره‌کننده خلأ را پر کردند. ترکیه با خوشه صنعتی غول‌پیکر «گازیانتب» و ناوگان ماشین‌بافه، سالانه حدود ۲/۸ تا ۳/۲ میلیارد دلار انواع فرش می‌فروشد؛ بخش کوچکی از آن دستبافه، اما عمده‌اش ماشین‌بافه‌ارزان قیمت و خوش‌کیفیت برای سلیقه امروز. نتیجه؟ مغازه‌دار آمریکایی و اروپایی برای چیدن ویتترین به گزینه‌ای کم‌ریسک‌تر و قابل‌تحويل‌تر روی آورد.

■ گره سوم؛ مقررات و استانداردها

روید به اروپا و بریتانیا بدون رعایت استانداردهای ایمنی شیمیایی (محدودیت رنگارهای آزو، مواد سرطان‌زا...) ممکن نیست؛ فرایند آزمون و صدور گواهی برای بنگاه‌های خرد ایرانی پرهزینه و پیچیده است. این سد مقرراتی، اگرچه برای سلامت مصرف‌کننده معقول است، اما در عمل هزینه تمام‌شده و زمان‌تحويل را بالا می‌برد.

■ گره چهارم؛ قواعد ارزی و سیاست‌گذاری داخلی

در سال‌های اخیر، الزام بازگشت ارز صادراتی از مسیرهای رسمی و نرخ‌های چندگانه، برای کالایی بازنچیره عرضه‌چندپاره و فروش «قطعه‌ای» مثلاً از طریق واسطه‌ها، عملاً دست‌نهایی صادرکنندگان



یادداشت

دکتر رضا غلامی

اقتصاددان

دولت با بستن منافذ ارزی، بازگرداندن ارز صادراتی و کنترل قاچاق می‌تواند تورم را مهار کند راهکار ممکن و سریع کاهش فشار اقتصادی بر مردم

دکتر پزشکیان، رئیس‌جمهور در جلسه هیئت دولت مورخ ۲۷ مهر ۱۴۰۴، دستور دادند «هر مقرره‌ای که موجب فشار اقتصادی بر زندگی مردم می‌شود، باید سریعاً اصلاح شود». ضمن استقبال از این نگاه و رویکرد درست که لازمه شرایط فعلی کشور است، در این یادداشت تلاش می‌شود راهکاری که با تمرکز بر آن می‌توان با هزینه کمتری، مشکلات بیشتری را با سرعت بالاتری حل کرد، ارائه شود.

■ نرخ ارز؛ محرک تورم و رکود

تقریباً تمامی اقتصاددانان اذعان دارند در اقتصاد ایران، اگر نگوئیم مؤثرترین متغیر، می‌توان با اطمینان گفت از مؤثرترین متغیرها بر تورم، نرخ ارز است. شدت این تأثیر، معلول مختلفی است؛ بخشی، ناشی از رفتار اقتصادی این متغیر در همه کشورهای دنیاست و بخشی دیگر، ناشی از ساختار اقتصاد ایران و شرایط تحریمی کشور است. درواقع، ساختار تولید در اقتصاد ایران طی دهه‌های گذشته به نحوی شکل گرفته که اثر نرخ ارز بر تورم را به‌شدت افزایش داده و این افزایش با تحریم‌ها نمود بیشتری یافته است.

به همین دلیل، متغیر نرخ ارز نقش کلیدی و بی‌بدیلی در افزایش قیمت‌ها و تورم در اقتصاد ایران دارد و از سه طریق زیر به‌طور مستقیم بر تورم و رفاه مصرف‌کننده اثر می‌گذارد:

(۱) کالاهای وارداتی مثل همه قطعات، ماشین‌آلات، تجهیزات و کالاهای واسطه‌ای که برای سرمایه‌گذاری جدید یا تداوم تولید فعلی از خارج وارد می‌شوند و همچنین کالاها و محصولات استراتژیک.

(۲) کالاهای صادراتی شامل محصولات فولادی و پتروشیمی، مواد غذایی و مانند آن که به دلیل افزایش قیمت ریالی آن‌ها در خارج از کشور (با افزایش قیمت ارز) و ناتوانی تولید داخلی برای جبران کمبود بازار، قیمت آن‌ها افزایش می‌یابد.

(۳) دارایی‌ها مانند طلا و مسکن که به‌دلیل ارزی شدن هزینه‌های بخش عمده مردم و برقراری قانون برابری بازده دارایی‌ها، به‌سرعت قیمت آن‌ها به نرخ ارز واکنش نشان می‌دهد. مثلاً در بخش مسکن، معمولاً با افزایش قیمت ارز، قیمت مسکن بالا می‌رود که در نتیجه آن، قیمت اجاره مسکن، اجاره مغازه و هزینه محل کسب‌وکار نیز افزایش می‌یابد که اثر نهایی همه آن‌ها به شکل کاهش قدرت خرید در سبد مصرف‌کننده نمود می‌یابد.

البته، اثر منفی افزایش نرخ ارز تنها معطوف به کاهش قدرت خرید و تورم نیست؛ بلکه سبب ایجاد رکود اقتصادی در کشور نیز می‌شود. نکته این

خردابسته است. گزارش‌هایی‌گویند همین سیاست‌ها با منطق تجارت سنتی فرش ناسازگار بوده و حاشیه سود و انگیزه فروش را می‌یلعد.

■ گره پنجم؛ تغییر ذائقه و سبک زندگی

بازار امروز آمریکا و اروپا بخش بزرگی از خریده‌ها را به سمت مینیمال، مدرن و شخصی‌سازی می‌برد. اگرچه فرش شرقی همواره «کلاسیک، محبوب» است، اما سهم الگوهای شلوغ‌بسننی در دکوراسیون روز کاهش یافته و مشتری جوان‌تر به طیف‌های رنگی خنثی، اندازه‌های خاص آپارتمان و ترکیب با مبلمان مدرن فکر می‌کند. تولیدکننده‌ای که این زبان تازه را بلد نباشد، در ویتترین ۲۰۲۵ کم دیده می‌شود.

■ ابعاد انسانی فاجعه

دریس این نمودارها، دست‌کم ۲ میلیون نفر در ایران به فرش‌یافی وابسته‌اند؛ بسیاری در مناطق روستایی هستند. بافت سفارش و وجود تورم، دستمزدها به‌شدت کاهش یافته و ترک شغل یا

است که به‌دلیل ساختار تولید در کشور اعم از صنعت و کشاورزی و حتی بخش خدمات، با افزایش نرخ ارز، واردات قطعات، مواد اولیه و کالاهای واسطه‌ای سخت‌تر و گران‌تر می‌شود.

از سوی دیگر، سیاست بانک مرکزی بر کنترل نقدینگی برای مقابله با تورم، موجب می‌شود بنگاه‌ها نتوانند منابع لازم برای خرید قطعات و لوازم مورد نیاز خود را بدست بیاورند و در نتیجه تولید کاهش مییابد. رفتار متغیرهای کلان اقتصادی طی دوره ۱۴۰۴-۱۳۹۰ نیز مؤید ادعاهای بالاست. در این دوره، ۷۰ برابر شدن نرخ ارز رسمی موجب شده قیمت کالاها حدود ۴۲ برابر شود، اما تولید و صادرات غیرنفتی رشد قابل توجهی نشان نمی‌دهند.

در سال‌های اخیر نیز مشاهده شده با افزایش شدید نرخ ارز، رشد اقتصادی منفی شده و تورم اندکی کمتر از ۴۰درصد است. بنابراین می‌توان گفت نرخ ارز مهم‌ترین محرک تورم و رکود در شرایط فعلی اقتصادی ایران است.

■ راهکار

چنان‌که در بالا گفته شد اگر نرخ ارز مهم‌ترین محرک تورم و رکود است، پس کنترل آن و مدیریت بازار ارز، سریع‌ترین و بهترین راهکار برای کاهش فشار اقتصادی بر مردم است. یعنی به‌جای آنکه هزینه‌های زیادی در بازارهای مختلف انجام شود که اختلالات قیمتی را به‌طور مداوم افزایش می‌دهند، اگر دولت بتواند نرخ ارز را کنترل و سپس کاهش دهد، به بخش عمده‌ای از اهداف خود دست خواهد یافت. این کار برای دولت سخت نیست؛ چراکه عمده اشخاص مؤثر بر بازار ارز، تحت مدیریت دولت و دستگاه‌های اجرایی قرار دارند. بنابراین عزم رئیس دولت برای کنترل فشار بر مردم، مایه امیدواری است و احتمال موفقیت کنتزل بازار ارز به‌شدت افزایش خواهد یافت. برای این منظور، دو گام اساسی و اجرایی زیر باید برداشته شود:

■ گام نخست: ایجاد ثبات در بازار و جلوگیری از روند افزایشی نرخ ارز

اولین و مهم‌ترین کار در شرایط فعلی، ایجاد ثبات در بازار ارز و جلوگیری از افزایش آن است. متأسفانه بازار ارز کشور مملو از سوراخ‌هایی است که محل اصلی نشث منابع هستند. به همین دلیل، در گام نخست باید این منافذ را با نظارت مستقیم و استفاده از سامانه‌ها مسدود کرد. درواقع، باید در زمان‌بندی مشخصی، بدون اعمال سیاست جدید ارزی و تنها در قالب همین ساختارهای موجود، فرایندهای تخصیص منابع و مصارف ارزی را بهینه کرد.

این موضوع باید هم در خصوص ارزهای ۲۸هزارو ۵۰۰ تومانی و هم ارزهایی که از طریق تالارهای ساخنگی بانک مرکزی تخصیص می‌یابند، با دقت و وسواس پیگیری شود. درواقع، باید طوری اقدام کرد که هر واحد ارز از محل تخصیص تا توزیع محصول تولیدی نهایی، تحت نظارت قرار گیرد و برای این کار، باید همه ارکان دولت از ستاد دولت گرفته تا پایین‌ترین سطوح یعنی اداره‌های شهرستانی و بخشداری‌ها وارد کار شوند. در تخصیص ارز نیز باید اولویت بر تولید ارزش افزوده بیشتر، اشتغال بالاتر و تأمین نیازهای ضروری مردم باشد.

در بخش تأمین و عرضه ارز نیز باید قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز به‌صورت تمام و کمال اجرا شود و تمامی ارزهای حاصل از صادرات به چرخه اقتصادی کشور بازگردانده شوند. یعنی همه مکلف باشند ارزها

مهاجرت نیروی ماهر جدی شده است. این یعنی از دست رفتن سرمایه‌نامشهودی که با پول امروز به‌سادگی برنمی‌گردد و بی‌هیچ تردیدی می‌توان پیش‌بینی کرد با همین روند، یافتن چند قالیباف سنتی در آینده نه‌چندان دور کار بسیار دشواری خواهد بود.

■ راه بازگشت؛ از روایت تا شبکه توزیع

بازگشت به دوران رونق نسخه واحد ندارد؛ مجموعه‌ای از اصلاحات و نوآوری‌ها می‌خواهد. چهار محور زیر، نقشه راه واقع‌گراست:

رفع موانع مبادله و پرداخت

تا زمانی که مسیرهای پرداخت امن و کم‌هزینه برای فروش خرد و کلان فراهم نشود، صادرات پایدار شکل نمی‌گیرد. دو اقدام فوری در این زمینه لازم است.

نخست؛ اصلاح قواعد بازگشت ارز برای بنگاه‌های کوچک فرش (تعریف «سقف معافیت خرد»، مهلت‌های واقعی و نرخ‌های نزدیک بازار) تا فروشندگان سنتی در چرخه رسمی بمانند. دوم؛ ایجاد سکوهای برون‌مرزی فروش و لجستیک که

را به‌طور کامل بازگردانند.

بدیهی است اگر صادرکننده‌ای عذر موجهی برای بازنگرداندن بخشی از ارزها داشت باید اسناد قابل قبول خود را به کمیته مربوط ارائه کند. لازم به ذکر است متأسفانه این قانون به‌طور کامل اجرا نمی‌شود.

■ گام دوم: کاهش نرخ ارز

پس از ایجاد آرامش در بازار ارز و حذف منافذ آن تا حد توان، باید سیاست کاهش نرخ ارز را در دستور کار قرار داد. البته با حذف منافذ ارزی و اقدام به تخصیص بهینه منابع، احتمالاً آمازاد ارزی در کشور ایجاد خواهد شد که نتیجه اولیه آن کاهش نرخ ارز خواهد بود و دولت می‌تواند روند کاهش به‌وجود آمده را تسریع نماید.

در این مرحله، همزمان با ایجاد آرامش در بازار ارز، باید با قاچاق کالا نیز برخورد جدی صورت گیرد. مبارزه با قاچاق کالا، مصارف ارزی در بخش قاچاق را کاهش می‌دهد و خود عاملی برای کاهش نرخ ارز خواهد بود. ضمن اینکه بازار ارز قاچاق (غیررسمی) را نیز کوچک کرده و امکان مدیریت آن را برای دولت ساده‌تر می‌کند.

علاوه بر این، باید با شناسایی فعالان بازار قاچاق ارز، متقاضیان واقعی این بازار را جدا کرد و آن‌ها را وارد بازار رسمی کرد. نکته این است که همواره کسانی در بازار قاچاق ارز و کالا وجود دارند که به دلایلی امکان تأمین ارز در بازار رسمی را نداشته‌اند. با شناسایی و تشویق آن‌ها به خروج از این بازار، بازار قاچاق کوچک‌تر خواهد شد.

همزمان با کوچک کردن بازار قاچاق کالا و ارز، باید با عرضه بیشتر ارز در تالارهای ساخنگی بانک مرکزی، نرخ بالاتر را به سمت نرخ پایین‌تر حرکت داد و از طریق مدیریت دقیق واردات، تقاضای این بازارها را واقعی‌تر و کوچک‌تر کرد. باید متذکر شد براساس آمار اعلامی، در هفت سال اخیر از مجموع ۲۷۰ میلیارد دلار ارز حاصل از صادرات غیرنفتی، بیش از ۹۶ میلیارد دلار آن به چرخه رسمی اقتصاد بازنگشته است. به بیان دیگر، ۳۶درصد منابع حاصل از صادرات غیرنفتی در اختیار سیاست‌گذار نیست.

حال اگر بتوانیم با اجرای دقیق پیمان‌سپاری ارزی، ۱۰۰درصد این منابع را در اختیار سیاست‌گذار قرار دهیم (حتی اگر بخشی از آن نیز به‌صورت کاهش صادرات، حذف شود)، باز هم امکان کاهش نرخ ارز وجود خواهد داشت.

■ سایر نکات

با برداشتن گام‌های فوق‌الذکر مثل نظارت دقیق بر بازارها و روند تخصیص ارز، بازگرداندن تمامی ارزهای حاصل از صادرات به چرخه اقتصاد و کاهش قاچاق، امکان کاهش نرخ ارز وجود دارد. ولی ذی‌نفعانی که خواهان افزایش مداوم نرخ ارز هستند، سه ایراد اصلی زیر را برای این سیاست مطرح می‌کنند که در این بخش به آن‌ها پاسخ داده می‌شود.

■ اول، نظارت فساد از است

در این خصوص باید گفت بله، نظارت می‌تواند فساد را افزایش دهد. ولی نخست، می‌توان از سامانه‌های شفاف‌کننده به‌جای افراد استفاده کرد. دوم، برخورد با فاسدان را تشدید کرد. سوم، ارقام فسادى که از این محل ایجاد می‌شود با اثرات منفی که رهاسازی نرخ ارز و افزایش مداوم آن ایجاد می‌کند (کاهش قدرت خرید مردم، تعمیق تبعیص درآمد و ...)،

چهارشنبه ۳۰ مهر ۱۴۰۴ ۲۹ ربيع الثاني ۱۴۴۷ ۲۲ اکتبر ۲۰۲۵ سال سی و هشتم شماره ۱۰۷۷۳ www.qudsonline.ir

و اندازه‌های مدرن مثل تولیدات یازیک، ساینزهای مناسب آپارتمان‌های کوچک، نسخه‌های سبک‌تر برای فضا‌های چندمنظوره. کیسول کالکشن مشترک با طراحان داخلی و برندهای میلمان در اروپا، ژاپن و خاورمیانه؛ بازار ژاپن و آلمان هنوز از مشتری‌ان مهم فرش ایرانی‌اند و با زبان طراحی قابل هدف‌گیری‌اند.

روایت‌گری دیجیتال از کارگاه روستایی تا اتاق پذیرایی مشتری، ویدئوهای کوتاه و ریزمحتوایی که «دست» و «داستان» را نشان می‌دهد؛ چیزی که رقیب ماشین‌باف ندارد.

بازسازی شبکه فروش

بازار امروز از حالت سنتی خارج شده و روش‌های جدید عرضه و فروش باید در دستور کار فعالان و متولیان این بخش قرار گیرد. در ادامه به چند نمونه از این روش‌ها اشاره می‌کنیم. حضور هدفمند در بازارگاه‌های تخصصی فرش و دکور و همکاری با گالری‌های بوتیکی به‌جای اتکا به عمده‌فروشی‌های پرریسک.

نمایشگاه‌های سیار در مراکز طراحی و دانشگاه‌های هنر خارج از کشور و نمایشگاه‌ها و کارگاه‌های کوتاه‌مدت برای بافندگان و رنگرزها) تا اصالت را از قاب موزه به زندگی روزمره برگرداند). بازار داخلی را جدی بگیریم، هجوم واردات ارزان از هند، ترکیه و چین سهم تولیدکننده ایرانی را در خانه خودش خورده است؛ سیاست تعرفه‌ای و استاندارد‌گذاری منصفانه، حداقل برای ایجاد زمین بازی برابر ضروری است.

■ چرا «الان» زمان تصمیم است؟

نکته طعنه‌آمیز اینجاست که تقاضای جهانی برای کفیوش و دکور کم نشده، حتی رشد هم داشته است، اما وزن بازار به سمت محصولات سریع‌الوصول و مدل‌های مقرون‌به‌صرفه رفته و باز یگرانی مثل ترکیه یا هند با ماشین‌بافی و شبکه توزیع به‌روز، سهم کشورهایی چون ایران را تصاحب کرده‌اند. اگر فرش دستباف ایران می‌خواهد در بازار لوکس «کم اما ارزشمند» بماند، باید ریسک خرید را برای مشتری نهایی کاهش دهد.

■ جمع‌بندی

سقوط صادرات فرش دستباف ایران چند علت دارد؛ تحریم و ریسک پرداخت، رقابت ماشین‌باف‌های منطقه، استانداردهای سختگیرانه، تغییر ذائقه و سیاست‌گذاری‌های ارزی نامتناسب از جمله دلایل اصلی محسوب می‌شوند. اما راه بازگشت بسته نیست.

با نظام پرداخت قابل اتکا، اصلاح قواعد ارزی برای صادرکننده خرد، گواهی‌های اخلاقی و زیست‌محیطی، صیانت جغرافیایی و زبان طراحی معاصر می‌توان فرش ایرانی را دوباره در ویتترین جهانی نشانند نه با وعده‌های کلی و برنامه‌ای که از «گره»‌های واقعی شروع می‌کند. فرش دستباف ایران وقتی بر زمین خنهای امروز پهن می‌شود که اول بر زمین واقعیت‌های تجارت امروز پهن شده باشد.

قابل مقایسه نیست. به عنوان مثال، در موضوع چای دبش، ارزهای نفتی که در آن منحرف شده در بالاترین رقم، حدود ۳/۵ میلیارد دلار اعلام شد در حالی که در هفت سال گذشته حداقل ۹۶ میلیارد دلار ارزهای صادراتی به چرخه اقتصاد بازنگشته و دست‌کم ۱۴۰ میلیارد دلار از منابع ارزی کشور صرف ورود کالاهای قاچاق شده است. بنابراین می‌توان ثابت کرد اثرات مثبت نظارت بسیار بیشتر از رهاسازی نرخ ارز است. نکته آخر اینکه، ادعای فسادزا بودن نظارت بیشتر توسط ذی‌نفعانی مطرح می‌شود که بقای آن‌ها نه از محل تجارت حرفه‌ای؛ بلکه از محل افزایش نرخ ارز است.

■ دوم، کاهش نرخ ارز موجب رکود می‌شود

گروهی از کارشناسان معتقدند کاهش نرخ ارز موجب کاهش صادرات غیرنفتی شده و رکود در بازار ایجاد می‌کند. در این خصوص باید گفت نخست، صادراتی که ارز آن به کشور بازنگردد قابل برنامه‌ریزی برای بلندمدت نیست و مشکلی از اقتصاد حل نخواهد کرد. دوم، امکان دارد اندکی صادرات در برخی کالاها کاهش یابد، ولی بی‌شک اندازه آن، ۱۰درصد رقم موجود نیز نخواهد بود. این در حالی است که براساس آمار رسمی بیش از ۳۵درصد ارزهای حاصل از صادرات به کشور بازنگشته است. این بدان معناست که حتی اگر با سیاست کاهش نرخ ارز، صادرات کشور تا ۳۵درصد رقم فعلی کاهش یابد (به‌شرط آنکه تمام ارز آن بازنگردد)، نه‌تنها از حیث منابع ارزی در دسترس، با شرایط موجود تفاوتی نخواهد داشت؛ بلکه رفاه مصرف‌کننده را از محل کاهش قیمت‌ها، افزایش خواهد داد. توضیح اینکه با کاهش صادرات، عملاً کالای کمتری از کشور خارج می‌شود و مصرف‌کننده امکان مصرف بیشتری خواهد داشت.

■ سوم، کاهش نرخ ارز موجب افزایش کسری بودجه دولت می‌شود

گروهی معتقدند با کاهش نرخ ارز، درآمد شرکت‌های صادراتی کاهش و لذا مالیات دولت هم کاهش خواهد یافت. در این خصوص باید گفت نخست، تأمین مالی از محل افزایش صادرات با تحریک افزایش نرخ ارز (تورم)، سیاستی نادرست است. درواقع، مانند درآوردن پول از جیب همه مردم، برای دادن حقوق به بخشی از مردم است. دوم، اثر کاهش نرخ ارز به‌صورت کاهش قیمت کالاها در بازار مشاهده خواهد شد که این را می‌توان به‌جای افزایش حقوق برای مردم توجیه کرد. درواقع، به‌جای افزایش حقوق مردم، هزینه‌های آن‌ها کاهش می‌یابد.

■ جمع‌بندی

دستور رئیس‌جمهور برای کاهش فشار اقتصادی بر مردم، بسیار درست، به‌موقع و امکان‌پذیر است. برای کاهش فشار اقتصادی، باید روی حل فشار تمرکز کرد. نکته این است که در شرایط فعلی کشور، عمده فشار بر سفره مردم از محل افزایش نرخ ارز است، بنابراین باید بر کاهش نرخ ارز متمرکز شد. مدیریت بازار ارز، حذف منافذ فرایندهای تخصیص و تأمین ارز، تخصیص بهینه منابع براساس اولویت‌های بازتعریف شده، کاهش اندازه بازار قاچاق و درنهایت کاهش نرخ ارز از راهکارهای دست‌یافتنی برای تحصیل این هدف هستند. دولت می‌تواند همه مقرراتی که مغایر این سیاست‌ها هستند را ابطال و در صورت لزوم سیاست‌های جدیدی را ابلاغ کند.